

وضعیت مذهبی و نقش فرقه ها و ادیان بیگانه در جمهوری آذربایجان

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران

به نقل از سایت ایران شمالی

نگاه اجمالی به جمهوری آذربایجان

منطقه ای که در تاریخ همواره به عنوان اران و شروان یاد شده و در نتیجه جنگهای طولانی مدت روس – ایران و انعقاد عهدنامه های ننگین گلستان و ترکمانچای از ایران جدا شده است تا زمانی فروپاشی شوروی بخشی از اقلیم این ابرقدرت به شمار میرفت و حزب کمونیست حاکم بر آن شعبه ای از حرکت کمونیست شوروی بود. میرجعفر باقر اف (معروف به جلا و عامل کشتار هزاران تن از شیعیان آذری در قفقاز و آذربایجان ایران که بعد از مرگ استالین محاکمه و تیرباران شد) و حیدر علی اف (کارمند عالی رتبه سازمان ک گ ب و از کارگزاران معروف حزب کمونیست شوروی) از معروفترین کسانی هستند که در دوره شوروی مسوولیت حزب کمونیست باکو را بر عهده داشتند. بعد از فروپاشی شوروی به عنوان جمهوری آذربایجان شناخته میشود که تقریباً در ۴۶۰ درجه طول جغرافیایی و ۳۹۰ درجه عرض جغرافیایی واقع شده است، کشوری نیمه کوهستانی است که بخش شرقی رشته کوههای قفقاز در مرزهای آن و روسیه و امتداد جنوب شرقی کوه&rdash;های قفقاز کوچک نیز در سرحدات این کشور با ارمنستان قرار گرفته است.

طول مرزهای مشترک ایران شمالی با روسیه در شمال ۲۸۴ کیلومتر، با گرجستان در شمال غربی ۳۲۲ کیلومتر، با ارمنستان در غرب ۵۶۶ کیلومتر و با وطن مادری خود ایران در جنوب ۴۳۲ کیلومتر است. جمهوری آذربایجان با مساحتی حدود ۳۳۴۰۰ مایل مربع یا ۸۶۶۰۰ کیلومتر شامل نخجوان هم می شود که مرز مشترک آن با ایران بالغ بر ۱۷۹ کیلومتر، با ارمنستان ۲۲۱ کیلومتر با ترکیه ۹ کیلومتر است.(1)

۱. جمعیت و ترکیب آن

جمعیت جمهوری آذربایجان طبق آمارهای ارایه شده از سوی دولت باکو حدود 8 نفر است. اما سکنه واقعی این کشور حدود 4 میلیون نفر تخمین زده میشود. حدود 60 درصد از جمعیت ایران شمالی را گروه آذری تشکیل میدهد. به جز آن، اقوام دیگری از جمله: آوارها، تالیشها، تاتارها، یهودیها، گرجیها، کردنها، روسها، اودینها و ارمنیها ... در این منطقه زندگی می&rdash;کنند. علت مغایر بودن جمعیت واقعی جمهوری آذربایجان با رقم ارایه شده از سوی دولت باکو این است که قریب نیمی از جمعیت اعلام شده در خارج از جمهوری آذربایجان زندگی میکنند. مطابق آمارهای اعلام شده در مطبوعات و رسانه های باکو حدود 2 میلیون نفر از مردم در روسیه زندگی و کار میکنند که عده ای از این جمعیت از زمان شوروی و عده دیگری نیز با وقوع مناقشه قره باغ و تشنجه و درگیریهای سیاسی بعد از فروپاشی شوروی و کسان زیادی نیز برای کار به روسیه مهاجرت کرده و عملاً در این کشور ماندگار شده اند. روسیه از اهالی جمهوری آذربایجان برای ورود و اقامت در روسیه ویزا درخواست نمیکند و مقررات ساده ای مهاجران به روسیه اعمال میشود. اغلب مهاجران به کارهای دستی و کارگری که مورد نیاز روسهاست اشتغال دارند. همچنین 500 هزار نفر از اهالی ایران شوروی به اکراین مهاجرت نموده و حدود 500 هزار نفر نیز در قزاقستان ساکن شده اند. بیش از یک میلیون نفر نیز طی سالهای گذشته به کشورهای مختلف از جمله روسیه سفید - ترکیه – اسرائیل - امریکا و مهاجرت کرده اند. کسانی که به اسرائیل مهاجرت کرده اند اغلب یهودیان آذری هستند که تعداد آنها 100 هزار نفر گفته میشود. علت اینکه دولت باکو مهاجران را نیز در لیست جمعیت کشور اعلام میکند این است که مهاجران به طور رسمی از تابعیت خارج نمیشوند اما عملاً در کشورهای دیگر زندگی کرده و اغلب آنها نیز تابعیت کشورهای محل اقامت خود را نیز پذیرفته اند.

۲. شهرهای بزرگ

الف) باکو: این شهر مرکز جمهوری آذربایجان است و در جنوب غربی شبه جزیره «آبشرون» قرار دارد. این شهر در قدیم به «بادکوبه» موسوم بوده و در حال حاضر به زبان آذربایجانی به آن «باکی» گفته می&rdash;شود.

ب) گنجه: این شهر دومین شهر بزرگ است. گنجه زادگاه یکی از بزرگترین شاعران فارسی گوی جهان نظامی گنجوی است. این شهر و نیروهای مسلح آن به فرماندهی جوادخان قاجار - از خاندان قاجار و مرزبان ایران در گنجه - در مقابل حملات ارتش بیست هزار نفری با دو هزار نفر تا پای جان ایستادگی کرد و جوادخان و فرزندانش به شهادت رسیدند. روسها پس از اشغال گنجه مردم شهر و بخصوص علما و سادات را قتل عام کردند.

ج) نخجوان: این شهر مرکز منطقه نخجوان است و در شمال دریاچه سدارس، در نزدیکی مرز ایران واقع شده&rdash; است. در منابع قدیمی از آن به «نشوی» و «نخچوان» (نقش جهان) نیز یاد شده است. در اسناد دولت باکو این منطقه "ناخچی وان" نامیده میشود که اسمی جعلی و تحریف شده و غیرتاریخی است ..

د) سومگائیت: این شهر هم صنعتی است و اهمیت بسیار دارد.(2)

۳. فرهنگ و آموزش

زبان رسمی در جمهوری آذربایجان زبان آذری است و اقوام دیگر مانند تالشها و آوارها و لزگها و از هر گونه آزادی فرهنگی مانند دسترسی به رادیو – تلویزیون و نشریه و کتاب و به زبانهای قومی محرومند. انتشار هر گونه نوشته به زبانهای قومی به شدت ممنوع است و کسانی که بدین کار اقدام کنند به انحای مختلف تحت فشار و آزار و تعقیب قرار گرفته و برایشان پرونده سازی میشود. اخیراً دو تن از فعالان فرهنگی تالش (دانشمند تالشی مرحوم نوروز علی محمد اف و فرزندش کامران) جان باختند. نوروز علی محمداف اخیراً در زندان باکو در آستانه هفتاد سالگی به شهادت رسید.

خط در این کشور چند بار عوض شده است: تا سال ۱۹۲۹ خط فارسی، از سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۹ خط لاتینی و از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۹۲ خط کریلی بوده است. در طول زمان، این زبان در ساختار تلفظی، کلمات و گرامر دستخوش تغییراتی شد. پارلمان باکو که در سال ۱۹۹۲ استفاده در انحصار غربگرایان پان ترکیست قرار داشت تغییر خط از الفبای کریلیک را که از سال ۱۹۳۹ مورد استفاده بود کنار گذاشت و الفبای لاتین را انتخاب کرد.

در حال حاضر همه رسانه های گروهی، روزنامه&rdash;ها، مجلات و کتاب&rdash;های منتشر شده جدید به خط لاتینی است.(3)

اولین مدارس در این سرزمین در قرن پنجم میلادی به وجود آمد. ولی قبل از آن مردم در راه علم و آموزش گامهای زیادی پیش رفته بودند. بعد از فتح ایران به دست اعراب، در مساجد، مدرسه&rdash;های برای آموزش و گسترش اسلام تأسیس شد که در آن قواعد عربی و قرآن تدریس می&rdash;شد. قبل از جدایی از ایران (قبل از سالهای 1928) به عنوان یکی از مراکز مهم آموزش در میان مسلمانان امپراتوری روسیه بود. اگر چه بعد از جدایی از ایران مردم مناطق اشغال شده تحت فشارهای فرهنگی و رفتار مسیحی کارگزاران روس قرار داشتند با این حال همواره حوزه های علمیه در این مناطق دایر بود و افراد زیادی جهت تحصیل علم از شهرهای مختلف از دربند داغستان گرفته تا باکو و گنجه و نخجوان و لنکران رهسپار مشهد و کربلا و نجف میشدند. اولین مدارس برای دختران مسلمان این منطقه در باکو و گنجه به همت حاجی زین العابدین تقی زاده در اوایل قرن بیستم تأسیس گردید.

این نکته باید ذکر شود که در حکومت شورایی شوروی سیستم آموزشی بسیار گسترده ای ایجاد شد و سطح سوادآموزی از ۸/۱٪ در سال ۱۹۲۶، به بیش از ۹۹٪ در سال ۱۹۷۰ افزایش یافت و بیسوادی ریشه کن شد. با این حال به شدت با علوم و معارف انسانی – اسلامی مبارزه به عمل آمد. مدارس دینی و مساجد تعطیل و تخریب شدند و

علما و دانشمندان دینگرا به سبیری تبعید و یا به قتل رسیدند و عده ای از آنها نیز به ایران مهاجرت کردند . انتشار روزنامه «اکینچی» در سال ۱۸۷۵ سرآغاز مطبوعات در میان مسلمانان شمال انجام شد. این نشریه که توسط یکی از پیروان اهل سنت به نام حسن بیگ زردابی منتشر میشد علیه مسایلی مانند عزاداری شیعیان برای حضرت سیدالشهدا ع موضع گیری میکرد و نیز در راستای منافع عثمانی نیز اقداماتی انجام میداد که روسها بدین دلیل این نشریه را مدتی توقیف کردند اما دوباره به وی اجازه دادند تا نشریه اش را بدن جهت گیری به نفع عثمانی منتشر کند. اکنون نیز روزنامه IRM&ها و مجلات بسیاری در باکو منتشر میشود که اغلب این روزنامه یا وابسته به ارگانها و مراکز دولتی هستند و یا با حمایت مالی بنیادهای و سفارتخانه های غربی مانند بنیاد سوروس و سفارتخانه های آمریکا و اسرائیل و ترکیه منتشر میشوند . یک مرکز تلویزیونی هم در باکو به سال ۱۹۵۶ تأسیس گردید و اکنون دو شبکه دولتی و چندین شبکه غیردولتی در این کشور فعال است.(4) از این میان شبکه های لیدر و آ تی وی و شبکه تلویزیون اجتماعی به نهادهای حکومتی و خانواده دولتی متعلق میباشد . این شبکه ها در نقش غیر دولتی وظیفه تبلیغات به نفع گروه حاکم را بر عهده دارند . جمهوری آذربایجان یک کشور کشاورزی است که در مواقعی به سوی بخش صنعتی متمایل می‌گردد. تأکید بر صنایع سنگین به طور قابل توجهی دو صنعت نفت و گاز طبیعی را توسعه بخشیده است. اما در عین حال صنایع غذایی، برق و مهندسی نیز از اهمیت فزاینده IRM&ای برخوردار است.(5)

۴. تاریخ

جمهوری آذربایجان کنونی از عصر حجر مسکونی بوده است. از اواخر قرن هشتم قبل از میلاد، مادها و از اواسط قرن ششم قبل از میلاد هخامنشیان بر این منطقه حکومت می‌کردند. وقتی اسکندر در اوایل قرن چهارم قبل از میلاد امپراتوری ایران را سرنگون کرد، یکی از حکمرانان خراجگزار او به نام آتورپات حکومت خود در این منطقه تشکیل داد.(6)

ساسانیان در اوایل قرن سوم بعد از میلاد بر بخش عمده IRM&ای از این منطقه مسلط شدند و این محل تا حمله اعراب به ماورای قفقاز در اواسط قرن هفتم، بخشی از امپراتوری آنان بود. پس از آن، سپاه نیروهای اعراب هم لشکر ساسانی و هم نیروهای بیزانس را در سال ۶۴۲ میلادی شکست داد. لشکر مسلمانان به منطقه هجوم آورد و در مدت چند سال آن را فتح کرد. دین اسلام در همین دوره به این سرزمین آمد.(7) مغولها در اوایل قرن سیزدهم شهرهای مختلف اران و شروان که گوشه ای از ایران بود هجوم آوردند. مغولها جنایات بیشماری را در این منطقه رقم زدند که از جمله آنها ویرانی و کشتار شدید اهالی گنجه بود . این ویرانی و کشتار به گونه ای بود که بعدها شهر جدیدی در کنار گنجه قدیم بنا شد . در سال ۱۳۸۶ تیمور، فرمانروای ماوراءالنهر، آذربایجان اصلی (آذربایجان ایران) را پس از خونریزیها به اشغال درآورد و در اران و شروان ، قدرت به دست شروانشاهان «درند» افتاد. شروانشاهان از خانواده های اصیل ایرانی و مروج شعر و ادب فارسی بودند . در دوره حکومت آنها آثار ادبی گرانسنگی به زبان فارسی به عرصه آمد که جزو ثروتهای ماندگار ادبی ایران محسوب میشوند. شاه اسماعیل صفوی در نخستین اقدام برای تشکیل دولت فراگیر شیعه در ایران و احیای تمامیت ارضی کشور به اران و شروان حمله برد و پس سرنگون کردن حکومت منطقه ای آن به آذربایجان بازگشت و در سال ۱۵۲۰ بنیانگذار سلسله صفوی، تبریز، مرکز آق قویونلی را به تصرف درآورد. با آنکه صفویان تبریز را مرکز حکومت آینده خویش قرار دادند، ترکهای عثمانی بارها به تبریز حمله کردند و در فاصله سالهای ۱۵۱۶ - ۱۶۳۰ این شهر را با انجام جنایات بسیار اشغال کردند . اما شاه عباس موفق شد دوباره حاکمیت خود را بر منطقه برقرار کند.

در سالهای ۱۷۲۲ - ۱۷۲۳ سربازان روسی دربند و باکو را اشغال کردند. اما نادرشاه در سال ۱۷۳۵ این شهر و دیگر شهرهای قفقازی ایران را از اشغال روسها آزاد ساخت. بعد از مرگ او در سال ۱۷۴۷ قدرت به دست خانها و فئودالهای محلی افتاد. اما با ظهور قاجاریه بار دیگر خانان و فئودالها خودسری را کنار نهاد و همواره تابع دولت مرکزی ایران شدند . تا اوایل قرن نوزدهم میلادی ، نه تنها جمهوری آذربایجان کنونی بلکه ارمنستان و گرجستان جزئی از خاک ایران بود و در پی ده سال جنگ میان ایران و روسیه به تصرف این کشور درآمد. در معاهده گلستان، ولایت باکو، شکی، شیروان، قره IRM&باغ و گنجه به روسیه واگذار گردید. در سال ۱۸۲۸ پس از جنگی دوساله میان ایران و روسیه، نجوان نیز به موجب عهدنامه ترکمن‌چای، به روسیه ضمیمه شد. و بدین گونه فاجعه ای ملی در تاریخ ایران و قفقاز رقم خورد که برای مسلمانان قفقاز فجایعی مانند گرفتاری در چنگ کمونیسم و جدایی از جهان اسلام و محرومیت هفتاد ساله از تعلیم و تربیت دینی را به دنبال داشت و برای ایران نیز سرآغاز فجایعی دیگر مانند نفوذ عمیق روس و انگلیس و برباد رفتن منافع ملی بود.

از اوایل قرن بیستم، حضور کارگران و متخصصان روسی و اوکراینی در باکو سبب شد که این شهر مسلمان نشین به یکی از مراکز انقلاب کمونیستی روسیه تبدیل گردد. در دوران حاکمیت شوروی با اشتراکی کردن کشاورزی و توسعه صنایع پیشرفتهایی در امور آموزش و بهداشت حاصل گردید. همزمان با اجرای سیاست گلاسنوست و پرستروئیکای گورباچف در شوروی، جمهوری آذربایجان شاهد رشد گرایشهای استقلال طلبانه ارامنه قره IRM&باغ بود. اختلافات ارمنیها و آذربایجان که در دوران شوروی بر اثر سیاست اختناق و سرکوب مدتها در محاق مانده بود، با پیدایش اولین آزادیهای اجتماعی امکان بروز یافت و به شدت رو به گسترش نهاد. این مناقشه ریشه در رقابتهای و جنگهای عثمانی و روسیه داشت . که روسها تلاش میکردند از ارامنه عثمانی به نفع خود سود جویند و عثمانیها نیز میکوشیدند از مسلمانان قفقاز به نفع خود استفاده کنند . در جنگ و رقابت میان دو کشور یاد شده ارامنه عثمانی و مسلمان قفقاز به عنوان کارتهای بازی مورد استفاده قرار گرفتند . در مناقشه هزاران تن از آذربایجان از اماکن خود آواره شدند . در عوض هزاران ارمنی ساکن باکو و شهرهای دیگر نیز از اماکن خود رانده شدند . همچنین اذری های مقیم ارمنستان نیز از این کشور رانده شدند و وضع پیچید های به وجود آمد.

در مناقشه قره باغ دولت باکو علاوه بر قره باغ از اراضی همجوار نیز (هفت شهر) عقب نشینی کرد. مقاماتی که بعد از حیدر علی اف در باکو حکومت میکنند معتقدند که سران جبهه خلق با اخذ رشوه های کلان از ارمنیها از جبهه ها عقب نشینی میکردند و نیز جبهه خلق تلاش میکرد جنگ را به مرزهای ایران بکشاند . سران جبهه خلق که در اندیشه تشکیل توران بزرگ (از ترکیه تا چین) بودند تصور میکردند اگر جنگ به مرزهای ایران کشیده شود آذربایجانیهای ایران به طرفداری از باکو وارد جنگ خواهند شد و موقعیت دلخواه برای تجزیه آذربایجان ایران فراهم خواهد شد . اما آذربایجانیهای ایران به دلایلی از جمله دل بستگی شدید به مذهب تشیع و میهنشان ایران به همزبانان ناسیونالیست خود توجهی نکردند و تنها به ارایه کمکهای بشردوستانه و هومانیتیر بسنده کردند. در میان آذربایجانیهای ایران باکو به شهر فاحشه ها شهرت دارد و مردان باکو مظهر بیغرتی تلقی میشود.

ارامنه علاوه بر قره IRM&باغ (استانهای شوش، خانکندی، خوجالی، عسکران، خوجاوند، آغدره)، ۴۴۰۰ کیلومتر استانهای لاجین، کلیجر، جبرائیل، فضولی، قوبادلی، زنگیلان، آغدام را هم اشغال کردند. حیدر علی اف در سال 1994 آتش بس با ارمنستان را امضا کرد . و از آن زمان با میانجی IRM&گری آمریکا و فرانسه و ترکیه و روسیه و مجامع بین IRM&المللی، بین این دو کشور آتش IRM&بس و صلح موقت برقرار است. و تاکنون حیدر علی اف و فرزندش الهام علی اف حدود سی بار با روسای جمهور ارمنستان مذاکرات مهم و دوستانه ای را پشت سر گذاشته اند 8

وضعیت دین و مذهب در جمهوری آذربایجان

قبل از ورود به این بحث لازم است که نگاهی به دوران شوروی سابق داشته باشیم تا بتوانیم وضعیت دینی کنونی کشور را خوب درک کنیم.

در دوران شوروی سابق

بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، از سال ۱۹۲۴ حکومت شوروی سیاست ضد مذهبی برای ریشه IRM&کن کردن مذاهب را در پیش گرفت. مسلمانان شوروی در سالهای ۱۹۰۵ - ۱۹۰۴، در شهر «نیژنی نوگورد» اولین بار «اتفاق مسلمین روسیه» را تأسیس کردند. این گروه در ماه می سال ۱۹۱۷ نهمد نماینده در کنگر «سانک پتربورق» داشت و خواستار اصول فدرال مسلمین

روسیه و یک کشور فدرالی مستقل بود. در همان کنگره «شورای ملی» تأسیس شد. در ماه ژوئیه سال ۱۹۱۷ «شورای نظامی مسلمان روسیه» و در نوامبر همان سال «مجلس ملی مسلمان روسیه» شکل گرفت.

مسلمانان نیروی بزرگی در شوروی بودند و استقلال و هویت دینی خود را مهم می دانستند. اگر به تاریخ شوروی نگاه کنیم، با گروه هایی چون «ارتش سرخ مسلمان»، «حزب کمونیست مسلمان»، «کمیسریای مسلمان» و... مواجه می شویم. رؤسای شوروی از این احساس هویت دینی مسلمانان، آن هم با این جنب و جوش می ترسیدند و این ترس هم بی جا نبود. بلشویکهای شوروی نمی&rdar; توانستند هویت مسلمان را بپذیرند. آنان از سال ۱۹۲۳ به مبارزه با مسلمانان پرداختند و به طور کلی فعالیتهای خود را علیه دین اسلام تشدید کردند. این کار هم با سه شیوه انجام می شد:

۱. ایجاد تفرقه بین گروهها و ملیتهای مسلمان. شوروی بعد از شکست آنان، به هر ملیت مسلمان، استقلال داد و حتی راضی شد به آنان سرود ملی، مجلس ملی و پرچم ملی مستقل هم بدهد، تا آنان به سبب تفرقه «ملی» و کنار گذاشتن وحدت اسلامی، زوال یابند.

۲. نابودی روشنفکران، علمای دینی و قتل عام آنها.

۳. جرم اعلام کردن دینداری و بسته شدن مسجدها.

با به کار رفتن این روشها بود که سران شوروی به خواسته خود رسیدند. (9)

تحت قوانین این رژیم، روشنفکران به سوی افکار و برنامه های سکولاریستی هدایت شدند. سیاستهای شوروی که با توسعه و گسترش تعلیمات همگانی، نابودی ادبیات قومی و تبدیل الفبا همراه بود، به مذهب نیز رسوخ کرد و تلاش وسیعی جهت تضعیف اسلام که مانعی در راه نوسازی سیاسی و فرهنگی قلمداد می&rdar; شد صورت گرفت. کمونیستها اقدامات ضد مذهبی خود را در مورد اسلام با بستن هزاران مسجد و مدرسه دینی آغاز کردند، سپس به تدریج دادگاههای شرع و سازمان اوقاف را منحل نمودند. آنان نخست حجاب اسلامی را نشانه عقب ماندگی و بعد ممنوع اعلام کردند. زمانی که مساعدترین شرایط برای مسلمانان جهان وجود داشت، انجام فرائض مذهبی چنان که در کشورهای اسلامی معمول بود، برای مسلمانان کشور آذربایجان آسان نبود. با این همه عجیب است که مردم این کشور همچنان وفاداری مذهبی خویش را حفظ کرده&rdar; اند. برنامه&rdar; ریزی شوروی علیه دین (ATEIZMA)، علاوه بر تهاجم فرهنگی بر پایه&rdar; های&rdar; علمی» هم استوار بود. شبهه&rdar; اندازی و فریب تبلیغاتی علمی عمده&rdar; ترین اقدامات ضد دینی بود و این هم کلاً به دو نوع انجام می&rdar; شد:

۱. استدلالهای مارکسیستی علیه کل مذهب: مثلاً «اسلام افیون توده&rdar; های&rdar; رنجبر است و آنها را از مبارزه اجتماعی بر ضد انگلهای استثمارگر منحرف می سازد» یا «اسلام مسلکی است رویا&rdar; پرداز و ضد علمی که رویای بهشت را به جهان دیگری حواله می&rdar; دهد». (16)

۲. استدلالهای الحادی که ویژه مبارزه با اسلام به خصوص شیعه است. در این استدلال اسلام در میان تمام ادیان از همه محافظه&rdar; کارتر (حتی ارتجاعی&rdar; تر) و غیر اجتماعی&rdar; تر است، اقتدار بزرگ ترها را مقدس می شمارد، زنان را خوار می&rdar; دارد و پیروانش را به تعصب و عدم تساهل و بیگانه&rdar; ستیزی فرا&rdar; می&rdar; خواند. همچنین «مؤمنان» را بر ضد «کفار» برمی&rdar; انگیزد و لذا مانع از توسعه دوستی میان خلقهای اتحاد شوروی است. این شیوه سنن و آداب اسلامی چون «ختنه» و «روزه در ایام رمضان» را به عنوان اعمالی بدوی و وحشیانه و غیربهداشتی مورد انتقاد قرار می&rdar; دهد، اخلاقیات اسلام را با اخلاقیات کمونیسم در تعارض می&rdar; بیند و هنر و ادبیات اسلامی را متحجر و ناتوان از پیشرفت و تکامل فرض می کند. خلاصه کلام آنکه براساس شبهه های آنان، اسلام به گذشته تعلق دارد، آن هم نه به «دوران سرمایه&rdar; داری»، بلکه «عصر فئودال» و از این رو در یک جامعه «سوسیالیستی» جا و مکان ندارد.

در اتحاد شوروی تبلیغات ضد مذهبی «وظایف اخلاقی» تمام «شهروندان صادق شوروی» و مخصوصاً اعضای حزب کمونیست بود. سازمان جوانان حزب، اتحادیه&rdar; های&rdar; کارگری، تمام تشکیلات دولتی، از مهد کودک تا سطوح عالی دانشگاهی، همه و همه بر ضد مذهب فعالیتها و برنامه&rdar; های&rdar; بسیار داشتند 10

شرایط دینی

جمهوری آذربایجان ۹۷٪ مسلمان دارد. ۸۹٪ شیعه، ۸ درصد و ۳٪ هم غیر مسلمان اند. همه شیعیان جمهوری آذربایجان دوازده امامی هستند. اهل سنت نیز اغلب حنفی و البته اندکی حنبلی اند.

دولت، و محدودیتهای قانونی

در قانون اساسی دولت باکو که در دوره حیدر علی اف تدوین شده هیچ دینی به عنوان دین رسمی معرفی نشده است! اما بنابر قانون، دین از سیاست جداسست. (11) روحانی نمی تواند فرماندار، نماینده روستایی و شهری (بلدیه)، و نماینده مجلس باشد. و روحانی حق «دخالتهای مذهبی» مستقیم در سیاست ندارد. دین آزاد است و هر تبعه دولت باکو می تواند هر دینی را که می خواهد قبول کند و آیینهای مذهبی همان دین را به طور آزاد اجرا نماید. کسی حق ندارد کسی را به خاطر قبول کردن دین و مذهبی آزار دهد. پس هرکس می تواند دین دلخواه خود را انتخاب کند. همه مسلمانان می توانند آزادانه مسجد بسازند، کتاب تبلیغی نشر کنند و آیینهای دسته جمعی خود را به اجرا بگذارند و هر جا که خواستند تبلیغ دین اسلام را انجام دهند. (19) اما در عمل و به حکم دادگاههای باکو طی سالهای اخیر مسجد متعددی تخریب شده است. همچنین پخش صدای اذان و عزاداری برای اهل بیت ع و حضرت سیدالشهدا ممنوع است. تبلیغات اسلامی و تشکیل کانونها و مکتب آموزش قرآن نیز ممنوع میباشد. علاوه بر این آموزش احکام و علوم دینی و قرآن در مدارس دولتی نیز ممنوع است. معروف است که حیدر علی اف به آموزش و پرورش دستور داده بود: " به جای آموزش قرآن و مسایل دینی به دانش آموزان موسیقی و تاریخ آذربایجان را یاد بدهید "

۲. ادیان غیر اسلام مانند مسیحیت و یهودیت و فرقه های ضاله مانند بهایی گری و شیطان پرستی و ... و نیز موسسه های تبلیغ مسیحیت در تبلیغات آزادند و طی سالهای گذشته کلیساها و کنیسه های مسیحیان و یهودیان و محافل بهایی و شیطان پرستی در باکو و برخی شهرهای دیگر بنا شده است.

۳. عید فطر و عید قربان تعطیل رسمی است.

4. دولت تلاش میکند مناسبتهای شیعی مانند عاشورا و را نادیده بگیرد و از تعطیل اعلام کردن این روز خودداری میکند.

تقابل فرهنگ و دین

فرهنگ و شرایط جمهوری آذربایجان، با بقیه کشورهای اسلامی فرق اساسی دارد. اولاً باید در نظر گرفت که کشور هفتاد سال زیر سلطه حکومت شوروی بود و در مقابل تهاجم فرهنگی روسها بدون دفاع مانده بود. همچنین جمهوری آذربایجان از لحاظ موقعیت منطقه ای در شرایطی قرار دارد که شصت درصد مرز آن با کشورهای مسیحی (ارمنستان و گرجستان) مشترک است. علاوه بر این، این کشور در منطقه ای قرار دارد که تقابل فرهنگها و تبادل فرهنگی کشورهای مختلف در آن وجود دارد. بعد از استقلال کشور و با بهبود رابطه دولت باکو با کشورهای غربی، وضعیت غربگرایی و رواج فرهنگ غرب و برهنگی در کشور قابل مشاهده است به نحوی که گفته میشود در برهنگی زنان، جمهوری آذربایجان اروپا را پشت سر نهاده است. اکنون فرهنگ لباس رایج در کشور و نیز مسائل فرعی دیگر، حتی با عرف و آداب و رسوم و تاریخ منطقه نیز سازگار نیست. همچنین دولت باکو با عضویت در شورای اروپا منع مجازات همجنس بازان را نیز قبول کرده است. به طور کلی به گفته اغلب فرهیختگان این کشور، بعد از استقلال اخلاق و پاکیزگی در حیطه فرد، خانواده و اجتماع راه تنهایی را در پیش گرفته و در این میان در تشدید شرایط غیر اخلاقی برخی شبکه های تلویزیونی باکو از جمله شبکه صهیونیستی&rdar; پان ترکیستی آینس نقش آفرینی میکنند. این فرهنگسازی و یا در حقیقت فرهنگ سوزی موجب تضعیف رویکرد دینی و توجه به ارزشهای متعالی دین در جامعه میشود.

ادارات مربوط به دین و مذهب

۱. اداره روحانیون و شورای مذهبی اسلامی قفقاز QMR

این اداره در دوران شوروی تأسیس شده است و به عنوان شعبه ای مهم از گ ب به شمار میرفت و ناظر بر روحانی نمایان مورد تایید ک گ ب و نیز معدود روحانیون واقعی مسلمان آذربایجان، داغستان، چچن، گرجستان و ارمنستان است. در سال ۱۹۷۸ ریاست این مرکز را شیخ الاسلام علی آقا سلیمان اف بر عهده داشت. او در ۹۳ سالگی درگذشت. جانشین او شیخ الاسلام میرغضنفر ابراهیم اف نیز با فاصله کمی وفات کرد. دو سال این پست بی صاحب ماند و در سال ۱۹۸۰ شیخ الاسلام کنونی، الله شکور پاشازاده در ۳۱ سالگی به این سمت منصوب شد. او شیعه دوازده امامی است و معاونش از اهل سنت است. وی شخصی محترم است و نقش او در مسائل دینی و اجتماعی نقش ویژه ای است. نظارت بر مساجد کشور و تعیین روحانیون مساجد بر عهده این اداره است.

۲. سازمان نظارت کننده بر نهادهای دینی DQDK

سازمان نظارت دولتی بر نهادهای دینی، فعالیت خود را بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر در آمریکا شروع کرد. همه مؤسسات، نشریات و مدارس دینی در تحت نظارت این سازمان است. رئیس آن شخصی به نام رافق علی اف است. با روی کار آمدن او حدود بیست مدرسه دینی در کشور بسته شد.

ادیان :

۱. دین اسلام

جمهوری آذربایجان یکی از مراکز مهم اسلامی قدیم بوده است و هنوز هم ارتباط قومی با تاریخ اسلامی و میراث درخشان معماری و هنر شیعی دارد. بیش از پنج هزار مکان با معماری اسلامی و مطابق با مذهب شیعه در این جمهوری وجود دارد. (12) سیصد مؤسسه و اجماع دینی نیز در کشور موجود است که بسیاری از آنها غیر فعال هستند و تحت نظارت DQDK هستند. این موسسات در صورت فعالیت موثر و یا عدم اجرای مقاصد وزارت امنیت تعطیل میشوند. (13) همچنین سیصد مسجد در کشور وجود دارد که فعالیت دینی و فرهنگی آنها با رعایت قوانین کشور بلامانع است، ولی بسیاری از آنها اصلاً فعالیت ندارند. مساجد فعال مانند مسجد جامع. مسجد حضرت محمد ص و ... تعطیل و یا به بهانه هایی مختلف مانند ساختمان سازی و ... تخریب میشوند.

الف) شیعیان

قدمت حضور شیعیان در این سرزمین به دوران امام صادق (علیه السلام) برمی گردد. قاسم بن العلاء، یکی از نواب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در شهر اران بود. (14) او مستقیماً با آن حضرت مکاتبه داشت و از مردم وجوهاتی می گرفت و به دست حسین بن روح می داد. این سرزمین همیشه با عشق اهل بیت (علیهم السلام) زنده بوده است.

علمای شیعی جمهوری آذربایجان

ولایت اران و شروان قدیم که امروز جمهوری آذربایجان خوانده میشود از مناطق مهم شیعه نشین در جهان اسلام به شمار می آید، که پیش از محصور شدن در پشت پرده های آهنین شوروی علما و مراجع بسیاری را به دنیای علمی اسلام بخشیده است. علمای اران و شروان در خارج کشور خود هم مشهورند، به طوری که در عراق، ایران، سوریه، عربستان سعودی و... علاوه بر تدریس دروس عالی اسلامی و تربیت شاگردان بسیار، برخی از آنها مرجعیت شیعه را هم بر عهده گرفته اند. آنان علاوه بر اینکه در کشور خود مدرسی را تأسیس نموده اند، در کشورهای خارجی هم حوزه های علمیه بنا کرده اند. مساجدی نیز در کشورهای مثل عراق و ایران، به واسطه و کمک این بزرگان ساخته شده است و اکنون نیز باقی است.

بین علمایی که صاحب اجتهاد و مقامات علمی بوده اند، افرادی هم با اشغالگران روس جنگیده و شهید شده اند. (15) برخی از آنها به دست بلشویکهای شوروی کشته شده اند. مقامات علما و فضلاء منطقه در حوزه نجف نیز همیشه قابل تقدیر و قدردانی بوده و زهد و اخلاق و علم خدایی آنان ورد زبان بوده است. تعداد علمای شهر جمهوری آذربایجان را از ۵۰ تا ۱۲۰ نفر ذکر کرده اند. ما عده ای از آنان را نام می بریم:

آیت الله العظمی محمدباقر سلیمانی، آیت الله العظمی شیخ عبدالغنی بادکوبه ای، آیت الله العظمی شیخ محمدصادق بردیگانی، آیت الله العظمی شیخ فاضل لنکرانی، آیت الله العظمی شیخ محمدعلی نخجوانی، آیت الله العظمی شیخ محمد ایروانی، آیت الله العظمی شیخ عبدالقاسم نجفی، آیت الله العظمی میرزا فضل علی مجتهدایروانی، آیت الله العظمی شیخ عبدالقاسم اردوبادی، علامه آیت الله میرزا محمدعلی غروی اردوبادی، آیت الله العظمی شیخ عبدالحسین لنکرانی، آیت الله العظمی شیخ ابراهیم شیروانی، آیت الله شیخ صدرالدین بادکوبه ای، آیت الله شیخ ملاآقا عابدین رمضان دربندی، آیت الله شیخ عبدالعظیم بادکوبه ای، آیت الله شیخ احمد پایانی، آیت الله شیخ یوسف ایروانی، آیت الله شیخ عبدالکریم ایروانی، آیت الله میرزا ابراهیم بادکوبه ای، آیت الله شیخ مولاآقا لنکرانی، آیت الله ملاحسن ایروانی، آیت الله محمدحسن قره باغی، آیت الله میرزا حسن قره باغی، آیت الله میرزا محمدشرف شیروانی، آیت الله سیدعباس حسینی سلیمانی، آیت الله شیخ محسن نخجوانی، آیت الله حاج شیخ ابراهیم لنکرانی، آیت الله شیخ ابراهیم بادکوبه ای، آیت الله سیدابوالحسن حسینی شیروانی، آیت الله شیخ اسماعیل قره باغی نجفی، آیت الله سیدمحمد لنکرانی نجفی، آیت الله شیخ حنیفه بادکوبه ای، آیت الله امامقلی نخجوانی، آیت الله شیخ جعفر لنکرانی، آیت الله شیخ احمد ایروانی، آیت الله شیخ صدرالدین لنکرانی، آیت الله سیدمرتضی نخجوانی نجفی، آیت الله شیخ محمدعلی گنجوی، آیت الله شیخ اسحاق لنکرانی، آیت الله علی اصغر ایروانی، شیخ الاسلام علی آقا سلیمان زاده، شیخ عبدالصمد نخجوانی، حیدرعلی شیروانی غروی، ملاحسن شیروانی، آیت الله شیخ محمدتقی ایروانی، آیت الله محمدشرف اردوبادی نجفی و ...

شاعران و مذهب شیعه

در سرزمین شیعه نشین جمهوری آذربایجان، شعرای مشهور و دارای عظمت علمی و مذهبی نیز بوده اند که اکنون هم مردم این کشور به اسم آنان مفتخرند. از نظر مذهبی هم می توان گفت نود درصد شاعران شیعه بوده اند که به زبانهای فارسی و آذربایجانی شعر سروده اند. نشانه ها و ارزشهای مذهبی شیعه دوازده امامی با شعر و آثار نظمی این شعرا و نویسندگان آذری عجین شده است. آثار نظمی شعرای جمهوری آذربایجان تا قرن نوزدهم را، اصلاً نمی توان بدون تأثیر مذهب شیعه در آن، تصور کرد. در نیمه دوم قرن بیستم بود که به خاطر ترس و وحشت از رژیم کمونیست و تأثیر ایده های نوین ماتریالیستی در کشورمان، آثار و نشانه های مذهبی از شعر آذری ریشه کن شد.

این خفقان بدان حد بود که نویسندگان و شاعرانی که در مدح مذهب خود چیزی نوشته بودند و یا سرپیچی از مدح رژیم کمونیست کرده بودند، با هزار بهانه محکوم به اعدام شدند (16) و یا برخی از آنها را به مناطق دور و سرد تبعید کردند که در آنجا از میان رفتند. (17)

شورویها و کارگزاران آذربایجانی آنها در باکو مانند میرجعفر باقر اف و حیدر علی اف – که هر دو دبیر کل حزب کمونیست باکو بودند - بستری به وجود آوردند که در این بستر به جای شاعران الهی مانند نظامی و خاقانی، شاعرانی هرزه گو و ضد مذهب مانند صمد وورغون رشد کردند و با اشعار عفن و گند آلود خود فضای فرهنگی شیعیان آذربایجانی را آلوده ساختند. روسها ی کمونیست همواره به چنین شاعرانی لقبهایی مانند " شاعر خلق " میدادند. صمد وورغون و بختیار وهاب زاده نیز جزو همین شاعران خلق هستند که با دشمنان خالق همکاری داشتند... صمد وورغون اشعاری در اهانت به قرآن کریم و حجاب زنان و نیز اشعاری در حمایت از سیاستهای شوروی سروده است.

اکنون به بعضی از شعرا و نویسندگان که از قرن دوازدهم به بعد زندگی کرده اند و شیعه بوده اند و در نوشته های خویش در مدح مذهب خود سخن گفته اند اشاره می کنیم. ابوالعلا گنجوی، فلکی شیروانی، ابراهیم افضل الدین خاقانی، محمد فضولی، مستعلی شیروانی، مسحتی گنجوی، ملاپناه واقف، عبدالرحمن آقا شاعر، عباس قلی آقاباکی خان اف قدسی، عبدالله بی جانی، کربلایی والچ، جعفرقلی خان نوا، قاسم بی ذاکر، کریم آقا فاتح، مهوشی شیروانی، عمادالدین نسیمی، شیخ ابراهیم قدسی گنجوی، آقا اسماعیل ذبیح، ملاقدیر شیروانی ناجی، حاجی ملاتقی زاده بیخود، سیدعظیم شیروانی، محمد صفا، عبدالله عاصی، میرزا ابوالحسن شهید، کربلایی قلی یوسفی، حسن بی هادی، مشهدی عبدل، میرحمزه نگاری، خرشیدبانو ناتوان، فاطمه خانوم کمینه، میرزاعلی اصغر نورس، میرزاجعفر جعفر، میرزاصدق فانی، محمدسعید اردوبادی، فقیر اردوبادی، اسکندرآقا غایب بی اف،

مصطفی آقا ناصر، حاج ابراهیم آقا دل بازاف وحیدی، شاهنگار خانوم، میرزامحمدتقی قمی، پر غم، اسماعیل بی ناکام، عاشیق پری، عاشیق علی اصغر، علی آقا واحد، حسین جاوید، ملا محمد جزنی، میرزا حاق وردی صفا، علیل قره باغی، محمدامین دلسوز و... . همانگونه که روشن است این شعرا در زمانهایی بالیده اند که ران و شروان از قلمرو فرهنگی و سیاسی ایران جدا نشده بود. شیعیان جمهوری آذربایجان دارای امتیازات فرهنگی، اعتقادی و مذهبی اند. آنان اهل بیت(علیهم السلام) را بسیار دوست دارند و به خصوص عاشق و دوستدار امام علی و امام حسین(علیهم السلام) هستند. شعار «الله، محمد یا علی» در اغلب ماشینها و خودروها وجود دارد. می توان گفت شیعیان این شعار را در شروع هر کاری، حتی در کارهای غیرشرعی به کار می برند. گفتنی است که اغلب شیعیان آذربایجان با مزایای مذهب خود آشنایی لازم را ندارند، یعنی از اسلام و شیعه حقیقی، آن چنان که هست، مطلع نیستند و معلومات دینی آنان بسیار ضعیف و سطحی است. مثلاً آنان از «عصمت امامان» چیزی نمی دانند و یا چنان که باید بدانند، نمی دانند. (18) آنان توسل و شفاعت را باور دارند و بیشتر تشنه مطالب اخلاقی ائمه(علیهم السلام) هستند. عقد ازدواج آنان طبق قوانین شرعی شیعه انجام می گیرد. علت بی اطلاعی مردم از دین و مذهب در گذشته به دلیل سیاستهای ضد دینی شوروی و هم اکنون به دلیل سیاستهای مذهب ستیزانه حکومت باکو است .

مسلمانان جمهوری آذربایجان به قرآن، مساجد، منبرها و سادات احترام فراوان می نهند. زیارتگاههایی نیز وجود دارد که اغلب پر از زائر است.

محرم و صفر

همه شیعیان جمهوری آذربایجان به ماه محرم و صفر اعتقاد خاصی دارند. در اکثریت اماکن شیعه نشین چهل روز به موسیقی گوش نمی دهند و سعی می کنند کارهای غیرشرعی انجام ندهند. در مناطق شیعه نشین مراسم عروسی در ماه محرم و صفر برگزار نمی شود. آنان روز تاسوعا، عاشورا، سیزدهم و هفدهم محرم و دهم صفر را بدون استثناء عزیز می دارند و عزاداری پرشکوهی انجام می دهند. مساجد فعال می شود، احسانهای بسیار می شود و مجالس پر شکوه و بزرگی برپا می گردد. در همه مراکز فروش نوارهای موسیقی، به جای نوای موسیقی، صدای نوحه سرایی، مرثیه و روضه می آید. مردم در مساجد جمع می شوند و مساجدی که روحانیان آن فعال اند، دارای برنامه های متنوع عزاداری اند. در این ایام مردم به خصوص در استانهای جنوبی (جلیل آباد، نفت چالا، ماساللی، لنکران، یاردیلمی، لریک و آستارا) بسیار فعال اند. همچنین شهر باکو، مخصوصاً روستاهای باکو، فعالیت بسیار خوبی دارند.

رمضان

واقعیت این است که ماه مبارک رمضان در این کشور که اکثر مردم آن تحت استعمار فرهنگی شرق دیروز و غرب امروز قرار دارند شناخته شده نیست . به گونه ای که حتی شهروندان ترکیه نیز از مشاهده بی احترامی به شان ماه مبارک رمضان در باکو و... ناراحت میشوند روزه خواری در شهرهای بزرگ در ملا عام یک اقدام رایج است با این حال در بین مردم اغلب روستاها و شهرهای کوچک وضع اینگونه نیست . برنامه های رضانی نیز در شبکه های کشور وجود دارد. شیعیانی که در استانها و شهرستانها زندگی می کنند، شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم مراسم احیا برگزار می کنند،

مشهورترین زیارتگاههای شیعی

۱. حرم مطهر خواهر امام رضا(علیه السلام) حکیمه خانوم (زیارتگاه بی بی هیبت):

این زیارتگاه در روستای شیخ (شهر باکو - خانلار) قرار دارد. با استناد به بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۱۷ و منابع تاریخی موجود، چهار نفر از اولاد و نسل امام رضا(علیه السلام) در آنجا دفن شده اند. (19) مسجد بزرگی بر روی آن بنا شده است که پنج کیلومتر از دریای خزر فاصله دارد. این مسجد مربوط به قرن سیزدهم است و در سال ۱۹۹۹ به دستور و حمایت حیدر علی اف دوباره ساخته شده است.

۲. حرم مطهر خواهر امام رضا(علیه السلام) سکینه خانوم (زیارتگاه ناردلان):

این زیارتگاه بزرگ و زیبا در یک روستای مذهبی شیعه نشین (باکو) قرار دارد. بنابر اقوال رایج، خواهر امام رضا(علیه السلام) و شوهرش با بچه های خود در آنجا دفن شده اند. (20)

۳. زیارتگاه پسر حضرت امام صادق(علیه السلام) به نام ابراهیم:

این زیارتگاه در استان گنجه قرار دارد و مسجدی روی آن بنا شده است که بسیار قدیمی است.

مساجد معروف پایتخت (شیعی)

مسجد جمعه باکو، مسجد تازه پیر، مسجد کبود و مسجد حاج سلطانعلی، حسینیه ایرانیان مقیم باکو از مساجد مهم پایتخت به شمار می آیند.

فعالیت شیعیان

فعالیت شیعیان در زمینه های تبلیغی مناسب به نظر نمی رسد. به عبارت بهتر فعالیت دینی شیعیان با مخالفتهای دولت روبرو میشود. با اینکه هفتاد درصد مساجد در دست آنهاست، نمی توانند سی درصد فعالیت تبلیغی مساجد اهل سنت را هم انجام بدهند. اغلب مساجد شیعیان فقط برای نماز باز می شود. از کار های تبلیغی شیعیان که تا حالا انجام گرفته است، ترجمه سریال «امام علی(علیه السلام)» و «امام رضا(علیه السلام)» و پخش آن از شبکه SPECE در ایام محرم و رمضان است.

نواری نیز درباره امام حسین(علیه السلام) و واقعه عاشورا در سه طرح مختلف به مردم ارائه شده است. به نظر میرسد تلاش دولت باکو بر این است که از گسترش فعالیتهای مردمی شیعیان جلوگیری کند چرا که مذهبی شدن فضای کشور میتواند برای حکومت ضد مذهبی خطرناک تلقی شود . اما دولت با فعالیتهای تبلیغی اهل سنت مقابله نمیکند چرا که اهل سنت در اقلیت هستند و نمیتوانند برای حکومت به عنوان منبع خطر محسوب شوند.

ب) اهل سنت

اهل سنت در اقلیت اند. اکثریت آنان حنفی، و تعدادی هم حنبلی هستند.

۱. حنفیان

رفتار آنان با شیعیان بسیار خوب است. تعداد کمی از آنان در جنوب و بخش عمده آنان در شمال زندگی می کنند. آنان مثل شیعیان مراسم خاص پرشکوهی ندارند. با این حال، اکنون آنان فعالیت بیشتری دارند و روز به روز زیادتر می شوند. دولت ترکیه روی حنفیان سرمایه گذاری میکند و مساجدی نیز توسط ترکیه برای آنها ساخته شده است .

۲. وهابیون

بافروپاشی شوروی تلاش کشورهایمانند عربستان و قطر و کویت و محافل وهابی این کشورها برای پیدا کردن جای پایی در میان شیعیان قفقاز آغاز شد . محافل وهابی با یولهای بسیار وارد جمهوری آذربایجان شدند و به شکار جوانان فقیر و بی بضاعت پرداختند . وهابیهها که از عدم وجود دانشمندان و آگاهان مذهبی در مقفقاز آگاه هستند و میدانند که مردم جمهوری آذربایجان هفتاد سال از تعلیمات و معارف اسلامی و شیعی دور شده اند با طرح سواها و شبهه ها از سویی و از سوی دیگر با اقداماتی مانند واگذاری تاکسی و خودرو به راننده های جوان شیعه و واگذاری سرمایه برای دستفروشی یا کسب و... برای جوانان گرسنه و نیز احداث مساجد وهابی مانند مسجد ابوبکر در باکو کار خود را آغاز کردند.

این گروه در همه عرصه ها حضور دارند و بسیار هم تأثیرگذارند. آنان در میان معلمان دانشگاه، دانشجویان، ورزشکاران برجسته (مثلاً تیم ملی کشتی آزاد)، طبیبان، کارگران و بیکاران، کار تبلیغی می کنند. جوانان و افراد تحصیل کرده بیشتر و زودتر به آنان گرایش می یابند. آنان درباره تمام اعتقادات شیعه، از نماز، صوم تا دفن و... شبهه وارد می کنند و بر ضعف اعتقاد شیعیان فقط از قرآن دلیل می آورند. در ظاهر خوشرفتارند و از اسم وهابی چندان خوششان نمی آید، ولی همه اعتقادات و اعمال وهابی را انجام می دهند. چون مردم وهابیون را دوست ندارند، از این رو می گویند ما وهابی نیستیم، بلکه سنی هستیم. رئیس و امام آنان فردی آذری است که پنج سال در مدرسه وهابی در عربستان تحصیل کرده است. نام او «قامت سلیمان» است و پیروان بسیار هم در اطراف خود دارد. او امام مسجد ابوبکر (باکو) است و شاگردان بسیار دارد. وهابیان مدارس بسیاری دارند، ولی مخفی کاری هم می کنند. با این حال، آنان اغلب اوقات آزاد و آشکار به اسم سنی حنبلی (نه وهابی) ولی با اعتقادات وهابی به تبلیغ می پردازند. مساجد مشهور آنان در پایتخت (باکو) عبارت است از: مسجد ابوبکر؛ مسجد شهدا؛ مسجد اژدریگ؛ مسجدی در نزدیکی «مترو قره قاریف». بنابر نقل روزنامه OLAYLAR آنان می خواهند ۵۳۰ هزار دلار برای ساخت مساجد در اطراف باکو سرمایه گذاری کنند.

آنان سایت اینترنتی نیز دارند. azerislam.com یکی از آنها و رهبر آن علی خوان موسایو است. سایت مذکور در سال ۲۰۰۴ جایزه بهترین سایت سال را از آن خود کرد. در دانشگاه دولتی باکو «گوشه الهیات» و کتابخانه باز کرده اند و گفته می شود در سه دانشگاه دیگر نیز این کار را کردند. (21)

۲. مسیحیت

مسیحیان اگرچه در اقلیت اند، هزینه و سرمایه گذاری آنان در امر تبلیغ بسیار زیاد است. آنان تا کنون توانسته اند بیش از ده هزار نفر مسلمان را مسیحی کنند. رهبر آنان یک آذری تحصیل کرده در خارج (آلمان)، کشیشی است به نام «مُشوق» است که اکنون هم فعال است. مسیحیان نیز مانند وهابیون ابتدا با ارایه کمک به خانواده های فقیر در قالب های بشردوستانه به شکار مسلمان بیپناه میپردازند

آنان کتابهای بسیار، نوارها و سی دی های مختلف منتشر کرده اند. آنان در بیمارستانها، زندانها، دبستانها، دبیرستانها، چادرهای قره باغیهایی که از خاکشان بیرون شده اند و به وسیله پول زیاد، کمک مالی و کتابهایی با چاپ عالی و پر از سخنان جذاب و عکسهای جالب و هزاران «هدیه» دیگر در فعالیت اند. تا سال ۱۹۹۴ کتاب مقدس به ۲۹۲ زبان دنیا ترجمه شده است. اما آنان هنوز هم متأسف اند که سه درصد مردم جهان با کتاب مقدس به زبان خودشان آشنا نیستند. 22 همه کتابهای آنان در کشور به زبان آذری و تالیش و برخی نیز به زبان روسی است.

آنان کتاب مقدس را یک بار برای بچه ها، به طور خلاصه وار و قصه وار با چاپ عالی، عکسهای رنگارنگ و تیراژ بالا، چاپ و به صورت رایگان پخش کرده اند. مسیحیان انجیل را چندین بار آن هم با تیراژ بالا، همچنین با الفبای عربی به زبان آذری، با الفبای کریمی به زبان آذری و نیز با الفبای لاتین به زبان آذری چاپ کرده و رایگان بین مردم پخش کرده اند.

تشکلهای مسیحی فعال در جمهوری آذربایجان

فعالیت این گونه تشکیلات در سالهای ۱۹۹۹ - ۱۹۹۷ بسیار ضعیف شده بود ولی در سال ۲۰۰۰ این تشکیلات به طور رسمی از سوی دلت باکو پذیرفته شد و اکنون فعالیت آنان رسمی و آزاد است، ولی باید برخی قوانین را هم مراعات کنند. برخی از این گروهها عبارت اند از:

۱. تشکیلات حمدکنندگان (شعبه تشکیلات بین المللی «کلام زندگی»)

۲. زندگی جدید

۳. نهیما

۴. مبلغان زندگی جدید مسیحی

۵. ستاره ای در شرف

۶. تازه آپاستول. این تشکیلات ۱۵۶۵ عضو دارد.

۷. لطف زندگی بخش عیسی. این گروه در باکو دانشگاهی رسمی و دولتی دارند.

۸. شهدای یه قوا

۹. وانگتون

۱۰. آلمان - سوئس - لوتران

۱۱. آدوینیستهای روز هفتم

۳. کرشنا

این گروه هم در اقلیت اند، اما برعکس مسیحیان در استانها فعال نیستند و فقط در باکو و اطراف آن فعال اند. اینان در «احمدعلی» و «قره قاریف» یک معبد تبلیغاتی فعال دارند که به صورت رسمی ولی با محدودیت قانونی فعالیت می کند. آنان دو گروه اند:

۱. جمعیت بین المللی شعور کرشنا

۲. تشکیلات صورت شامد یوفا

این گروه تا به حال افرادی را به خودش جذب کرده اند. آنان کتابهای منتشر شده بسیاری دارند و آنها را به طور رایگان پخش می کنند. مانند بهایی ها ادعا می کنند که با شیعه فرق چندانی ندارند، ولی اعتقادات خود را به مردم منتقل می کنند.

۴. نورجیهای ترکیه

مبلفین نورجیهای ترکیه، هر دو گروه آن (طرفداران فتح الله گوران و پیروان امام خطیب)، سخت مشغول تبلیغ در جمهوری آذربایجان هستند. اولین مبلغان مذاهب غریبه که پس از فروپاشی به جمهوری آذربایجان آمدند، نورجیها هستند که در سال ۱۹۹۰ شروع به تبلیغ کردند. آنان مسجد می سازند، کالجها و مدارس را تأسیس کرده اند و با هزاران جلد کتاب که به صورت مجانی پخش می شود، تبلیغ می کنند. به گفته بعضی از منابع خبری غیررسمی، تعداد آنان در کشور شانزده هزار نفر است. شبکه STV هم که از ترکیه پخش می شود، نورجیها را به طور غیرمستقیم تبلیغ می کند.

۵. بهائیت

تشکیلات صهیونیستی بهائیت در جمهوری آذربایجان به عنوان اقلیت مذهبی شناخته شده است و تعدادشان بسیار کم است. ولی به خاطر حمایت اسرائیل و بعضی از کشورهای غربی، آیین خود را به آسانی تبلیغ می کنند و کتابهای منتشر شده را مجانی بین مردم پخش می کنند. محافل بهایی در باکو تشکیل میشود. شبها و طراحان آن (چند نمونه)

مبلغان مسیحی:

۱. حجاب نشانه عقب ماندگی است و مقتضای زمان قرن هفتم بود، نه اکنون.

۲. غرب به خاطر مسیحی بودن از همه جوانب رشد کرده است. ولی کشورهای اسلامی به خاطر اسلام عقب مانده اند.

۳. اسلام، دین ماتم است، شادی و آزادی ندارد، ولی مسیحیت این گونه نیست.

۴. پیامبر مسلمانان هوسباز و شهوت پرست بوده است و تعدد زنان او هم شاهد بر این است.

۵. قرآن کتابی است شامل کلمات کوتاه و افکار تکه تکه و به پایان رسیده. این کتاب کلام خدا نیست و سخن بشری است. مبلغان وهابی:

۱. توسل و شفاعت باطل و شرک است.
 ۲. زیارت قبور ائمه اطهار(علیهم السلام) حرام و شرک است.
 ۳. سجده بر خاک و قسم به غیر خدا حرام است.
 ۴. سوگواری و عزاداری امام حسین(علیه السلام) حرام است.
 ۵. مسئله امامت بدعت در دین اسلام و صرفاً امری تاریخی است، نه اعتقادی. روشنفکران غیرمذهبی:
 ۱. تعدد زوجات و مسئله ازدواج موقت، ظلم به نظام معنوی خانواده و نشانه عقب ماندگی است.
 ۲. زنجیرزنی و کلاً عزاداری امام حسین(علیه السلام) نشانه عقب ماندگی است.
 ۳. مسئله معاد یقینی نیست و امتناع امکان وقوعی دارد.
- همه این شبهات به واسطه کتب تبلیغی، نوارها و سی دی ها، روزنامه ها و مجلات، متون درسی، برنامه های تلویزیونی و... ارائه می شود و به مردم تلقین می گردد.

پی نوشتها:

۱. انسکلوپدی آذربایجان، ج۱، ص۳۴.
 ۲. کشورهای مستقل مشترك المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۱۵۰ و ۱۴۸.
 ۳. جمهوری آذربایجان، ص۳۱ - ۳۰؛ اقوام مسلمانان اتحاد شوروی، ص۱۵۰ و ۱۴۹.
 ۴. آذربایجان ما، رافیق اسلام اف، زمینه کریم او، ص۱۶ - ۱۵.
 ۵. انسکلوپدی آذربایجان، ج۱، ص۳۳۹.
 ۶. کشورهای مستقل و مشترك المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۱۵۰ و ۱۵۱.
 ۷. تاریخ آذربایجان، ص۱۲۰ - ۱۱.
 ۸. آذربایجان و ارمنستان، محمود علی&Irm، ص۲۱۵ - ۲۱۲.
 ۹. مسلمانان شوروی؛ گذشته، حال و آینده، ص۱۵۹ - ۱۵۵.
 ۱۰. اساس&Irm؛ های مارکسیسم و نین ایسم، ص۱۰۶.
 ۱۱. مسلمانان شوروی؛ گذشته، حال و آینده، ص۸۶ - ۸۴.
 ۱۲. بنا به بند، ماده ۱۸۵ قانون اساسی.
 ۱۳. بنا به بند ۲، ماده ۴۷ قانون اساسی. قانون اساسی جمهوری آذربایجان، ص۲۸ - ۱۴.
 ۱۴. جمهوری آذربایجان، ص۳۵.
 ۱۵. روزنامه قازت ۵۲۵.
 ۱۷. بحارالانوار، ج۵۱، ص۳۱۳، باب ۱۵: «ما ظهر من معجزاته».
 ۱۸. فتاوی جهاد علمای آذربایجان شوروی در برابر روسها در کتابهای مشهور تاریخی ثبت شده است.
 ۱۹. بعضی از آنان هم معلوم نیست مزارشان کجاست و یا در قتل عامها در قبرستانهای بی نام و نشان به طور عمومی به خاک سپرده شده اند.
 ۲۰. در دوران شوروی آن چنان که در اوایل بحث اشاره شد، نویسندگان و شعرا یا مجبور یا داوطلب به نوشتن آثار بر ضد دین و مذهب بوده اند و یا طرز تفکر کمونیستی آن را اقتضا می کرد.
 ۲۱. متأسفانه، خرافات بسیاری در اعتقاد شیعیان دیده می شود و آنان به تأثیر سحر و جادو هم بسیار باور دارند. کسانی که ادعا می کنند به آنان قوه آینده بینی و جادویی داده شده است - از طرف خدا، یا علی(علیه السلام) - بسیارند.
 ۲۲. انسکلوپدی جامع آذربایجان، ج۲، ص۲۲۰.
 ۲۳. روزنامه نبض، شماره ۱۴، ص۲.
 ۲۴. روزنامه قازت ۵۲۵، سال ۲۰۰۵، شماره ۱۴، ص۴.
 ۳۵. «انجیل» به زبان آذری، چاپ هجدهم، ص۱.
- #### منابع:
۱. انسکلوپدی جامع آذربایجان، ج۲، باکو، چاپ اول، ۱۹۷۸.
 ۲. انسکلوپدی جامع آذربایجان (به زبان آذربایجان)، ج۴، باکو، چاپ اول، ۱۹۸۰.
 ۳. مسلمانان شوروی؛ گذشته، حال و آینده، الکساندر بنیگسن و مری براکس آپ، ترجمه کاوه بیات، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
 ۴. جمهوری آذربایجان، وزارت کشور، دفتر مطالعات سیاسی، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
 ۵. بررسی کشورشناسی جمهوری آذربایجان، دکتر بهرام امیراحمدیان، انتشارات جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول، ۱۳۸۲.
 ۶. تاریخ آذربایجان، ضیا بنیاداف و یوسف اف، باکو، آذر نشر (به زبان آذری)، چاپ اول، ۱۹۹۴.
 ۷. کشورهای مستقل مشترك المنافع و جمهوریهای بالتیک، تهیه و تدوین گیتاشناسی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۴.
 ۸. اقوام مسلمان اتحاد شوروی، شیرین آکینر، ترجمه علی خزاعی فر، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۶.
 ۹. علمای آذربایجان (به زبان آذری)، فائق ولی اف، قم، انتشارات اهل بیت(علیهم السلام)، چاپ اول، ۱۳۸۱.
 ۱۰. تاریخ شیروان و دربند، ولادیمیر فدروویچ، ترجمه محسن خادم، تهران، دایره المعارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵.
 ۱۱. صفحات اینترنتی روزنامه های «نبض» و «قازت ۵۲۵» به زبان آذری.
 ۱۲. بحارالانوار، ج۵۱.

۱۳. ماورای قفقاز از دیرباز تاکنون، حسین کاظم زاده و اکبر تقوی، دفتر سیاسی تبلیغات اسلامی،

چاپ اول، ۱۳۷۹.

۱۴. ادبیات آذری، فروع الدین کچارلی، آذرنشر، باکو. چاپ اول، ۱۹۶۱.